



درآمد

وقتی خاستگاه تربیتی شهید گنجی را نگاه می‌کنیم، خاستگاه تربیتی‌اش یک خانواده مذهبی، دوستدار اهل بیت و عصمت و طهارت (ع) بودند؛ خانواده‌ای شهید داده در مسیر انقلاب و دفاع از ارزش‌های دینی. حجت الاسلام والمسلمین حاج حسن مصلح، امام جمعه دشتستان، ضمن وا‌کاوی شخصیت شهید صادق گنجی، در این گفت و شنود به خاطراتی از آن عزیز اشاره می‌کند.

«وا‌کاوی شخصیت شهید گنجی» در گفت و شنود شاهد یاران با
حجت الاسلام والمسلمین حسن مصلح، امام جمعه دشتستان

همه فضیلت‌ها را در خود جمع کرده بود...

مستعدی بود و درخشش خوبی داشت. باز هم در دوره تحصیلی تهران‌شان در مدرسه عالی شهید مطهری، افرادی مثل حجت الاسلام دکتر خاموشی رئیس سازمان و تبلیغات اسلامی هم‌دوره ایشان بودند که به هر صورت از افراد نخبه بودند و هستند. شهید گنجی به خاطر درخشش و استعداد و علم و فهم و درکش همه را شاد و به خود امیدوار می‌کرد و همه جا میل به پیشرفت و بالندگی را از خود نشان می‌داد، هم در دوره تحصیلی، هم در دوره احراز مسئولیت کشوری که از سن بیست و دو سالگی چنین مسئولیت‌هایی را به عهده گرفت. این، خود به تنهایی نشان‌دهنده استعداد علمی و عملی ایشان است. در سنین ابتدایی جوانی، مسئولیت سفیر فرهنگی را در خارج از کشور به عهده می‌گیرد و در پاکستان هم درخشش ویژه‌ای پیدا می‌کند. تأثیرگذاری شهید گنجی خیلی بالا بوده و همین قدر که عصبانیت و خشم دشمن را برمی‌انگیزد، نشان‌دهنده این است که انسان فعال و ممتازی بوده. در تبیین اهداف اسلامی و رشد و توسعه انقلاب و نظام نقش داشته و نیز مبارزه با تحجرگرایی، مبارزه با جریانات متحجر در پاکستان مثل گروه سپاه به اصطلاح صحابه، گروه‌های وابسته به وهابیت که آن‌جا فعال بودند و با صادق عزیز ما آن‌گونه با وحشی‌گری برخورد کردند، نشانگر این است که این جوان در آن‌جا در عرصه فرهنگی و تبیین حقیقت نقش داشته و روشنگری می‌کرده است.

در جریان تودیعش در پاکستان نیز اهالی آن‌جا تعداد پنجاه و چهار جلسه تودیع برایش می‌گیرند.

این موضوع دقیقاً نشانگر اوج محبوبیت و درخشش ایشان در یک سرزمین دیگر است. شهید گنجی به جهت حضور در عرصه‌های فرهنگی و فعالیت‌ها و ارتباطات خوبی که داشت، این‌گونه مردم پاکستان را علاقه‌مند و شیفته خویش می‌کند. زمانی که می‌خواهد ایشان آن‌جا را ترک کند و به وطن خویش برگردد، به این میزان قابل توجه جلسات تودیع برایش می‌گیرند که درست در

دامادشان هوشنگ مزارعی هم قبل از شهید نادر به شهادت رسیده و این‌ها نشان‌دهنده آن است که این خانواده مذهبی، معتقد و رزمنده هم بودند و در دفاع از انقلاب و نظام گام برمی‌داشتند. از طرفی خود صادق که فرزند ارشد خانواده بوده، وقتی در سن هشت سالگی پدرش را از دست می‌دهد، در واقع با یتیمی و در دامن مادر بزرگ می‌شود؛ این از جنبه خانوادگی‌اش. خاستگاه خانوادگی و تربیتی، خاستگاه مذهبی، دینی و نیز از لحاظ اجتماعی صادق عزیز در سطح متوسطی است. تحصیلات شهید در برازجان بوده تا دوره دبیرستانش، بعد هم به تهران تشریف بردند و به مدرسه عالی شهید مطهری رفتند.

معمولاً کسانی که به چنین مدارسی راه پیدا می‌کردند، از چند لحاظ دارای برجستگی‌هایی بودند.

نفس راه یافتن به این مدرسه خودش معنادار است، هم نشان‌دهنده استعداد فوق‌العاده ایشان است و هم انگیزه‌اش را می‌رساند. شهید گنجی ذاتاً با استعداد بود و با داشتن انگیزه‌های قوی دینی دوست داشت در این مجموعه رشد و تقویت پیدا بکند و در این مسیر گام بردارد. شهید گنجی در دوره تحصیلی‌اش نوجوان

وقتی سیمای شهید گنجی را نگاه می‌کنیم، خاستگاه تربیتی‌اش یک خانواده مذهبی، دوستدار اهل بیت و عصمت و طهارت (ع) بودند، خانواده‌ای شهید داده در مسیر انقلاب و دفاع از ارزش‌های دینی بودند و فرزند دیگرشان شهید نادر گنجی در سن نوزده سالگی در سال ۱۳۶۵ به شهادت می‌رسد

به بیان حضرت عالی، شخصیت شهید گنجی، از چه دیدگاهی بیشتر جلب نظر می‌کند؟

به نظر بنده، شهدایی که نقش و تأثیرگذاری آن‌ها بیشتر در عرصه فرهنگی بوده است، اهتمام به معرفی آن‌ها به عنوان الگو برای جامعه ما و نسل جوان و جدید ما که دوران انقلاب و دوران دفاع مقدس را درک نکرده‌اند می‌تواند بسیار مفید و خوب باشد و بسیار کار خوب و جالبی است. این شیوه تربیتی قرآن کریم است که اسوه‌ها و الگوها را معرفی و برجسته می‌کند و فضیلت‌ها و الگویی‌های مثل حضرت نوح (ع)، حضرت ابراهیم (ع)، حضرت موسی (ع)، حضرت عیسی (ع) و حضرت محمد (ص) را به عنوان الگو برای جامعه معرفی می‌کند و در بعدی از ابعاد، در بحث صبر و جهاد و زهد، هر کدام را در قلمرویی معرفی می‌کند. وقتی در همه اعصار بررسی می‌کنیم، شیوه قرآنی معرفی اسوه‌ها و الگوها، می‌تواند سازنده باشد برای جوان‌ها و نسل جوان ما، که هر چه زمان می‌گذرد از خاطرات جبهه و دوران جبهه و شهادت‌ها بیشتر فاصله می‌گیرند. در پیوست این بحث یادآور می‌شوم که همه شهدای ما این‌گونه بودند. آن عزیزان برترین‌ها بودند که گلچین شدند. اصالتاً همگی از لحاظ زندگی و سیره‌شان نمونه بودند و مهم‌تر از همه این‌که رشد یافته در خانواده‌های مذهبی بودند و عمدتاً با فقر درگیر بودند و سطح زندگی ساده‌ای داشتند و اهل ایمان و اخلاص بودند و در جامعه و خانواده و محله‌شان درخشش داشتند. این شهید عزیز صادق گنجی نیز از نمونه‌های آن الگوها و از برترین‌ها بودند.

وقتی سیمای شهید گنجی را نگاه می‌کنیم، خاستگاه تربیتی‌اش یک خانواده مذهبی، دوستدار اهل بیت و عصمت و طهارت (ع) بودند، خانواده‌ای شهید داده در مسیر انقلاب و دفاع از ارزش‌های دینی بودند و فرزند دیگرشان در سن نوزده سالگی در سال ۱۳۶۵ به شهادت می‌رسد - شهید نادر گنجی - که فرزند کوچک شهید صادق گنجی هم اسم با عموی شهیدش بوده است.



سر آن گذاشت و به اعلی درجه رسید، بیشتر بشکافید.

این شهید عزیز نقش فعالی را در صدور انقلاب ایفا کرد، از حیث شجاعت، قدرتی مثال زدنی داشت و در مقابل مخالفان نظام و معاندان قد علم می‌کرده و استوار می‌ایستاد. بیان شیوا و خوبی داشت، یک سخنور زبردست بود و با درایت و تسلط سخنرانی می‌کرد، اهل قلم بود و آثار قلمی و نوشته‌های ایشان گویای این مطلب است. نفوذ کلام داشت و کلامش بر دل‌ها اثر می‌کرد. تأثیر و بازتاب شهادت این شهید در میان دوستان هم قابل توجه است. از طرفی

جامعه پاکستان را به حدی متأثر کرد که تا مدت‌ها داغدار و مصیبت‌زده بودند و در همین ایران نیز در مجموعه مراسمی که به یاد آن شهید برگزار می‌شد، افرادی به نمایندگی از پاکستان شرکت می‌جستند و افسوس‌شان را ابراز می‌کردند.

الان هم می‌بینیم که با وجود گذشت بیست سال از شهادت آقای گنجی، نام و یاد آن شهید بزرگوار در خاطرهای شیعیان پاکستان پیوسته زنده است.

به این دلیل همه به نیکی از فدکاری‌ها و جهاد و سیره زندگی او یاد می‌کنند که به شدت مردم پاکستان را تحت تأثیر خودش قرار داده و خون پاکش در بیداری و هوشیاری آن‌ها و دفاع از حقانیت راه آن‌ها اثرگذار بوده و شهید گنجی در مقابله با دشمن هم این‌گونه تأثیر خودش را بر جای گذاشته، به گونه‌ای که خونش باعث شکست و نابودی و رسوایی گروه سپاه صحابه که شاخه‌ای افراطی از وهابیت در پاکستان بودند شد. در واقع با ترور ناجوانمردانه شهید گنجی ماهیت‌شان برای مردم پاکستان بیش از پیش مشخص و روشن شد و بالاخره خون شهید توانست بخشی از جنایات آن‌ها را بر ملا کند و منجر به شکست و اضمحلال آن‌ها شود.

و چه خوش است که انسان با مرگ سعادت‌مندانه‌اش حتی بعد از حیات خویش نیز این‌گونه منشأ اثرات خیر باشد.

بحمدالله شهید گنجی به جز این خیرات و مبرات، دو فرزند تحصیل‌کرده هم دارد که الان افرادی مؤثر در اجتماع هستند و در تهران با نهاد ریاست جمهوری همکاری دارند و در سطح جهان هم ستادی تشکیل داده‌اند به نام "ستاد قربانیان ترور" که آقا نادر آن‌جا خیلی نقش فعالی را در افشاکاری ماهیت تروریست‌ها و گروه‌های

تروریستی در جهان ایفا می‌کند و با سازمان ملل و کشورهای دیگر ارتباط دارد. مسؤولان شهرستان و بنیاد شهید و سایر نهادها نیز پیوسته یادواره و بزرگداشتی هر ساله برای شهید می‌گذارند و از خاطرات شهید به زبان همراهان و هم‌زمان ایشان سخن گفته می‌شود و در سطح شهر خیابان و میدان و مدرسه‌ای به نام شهید صادق گنجی است که در بزازجان بنا شده و در صدد نصب تندیس در آن‌جا نیز هستند. به هر صورت حق هم همین است، چرا که این شهید، اولین شهید

بنفوس راه یافتن به مدرسه عالی شهید مطهری خودش معنادار است، هم نشان‌دهنده استعداد فوق العاده ایشان است و هم انگیزه‌اش را می‌رساند. شهید گنجی ذاتاً با استعداد بود و با داشتن انگیزه‌های قوی دینی دوست داشت در این مجموعه رشد و تقویت پیدا بکند و در این مسیر گام بردارد

پنج‌جاه و چهارمین جلسه تودیع، این بزرگوار مورد خشم دشمنان قرار می‌گیرد و به شهادت می‌رسد.

شهید گنجی در همان دوره‌ای که در تهران در مدرسه عالی شهید مطهری بوده سابق جبهه‌ای دارد و از طرف این مدرسه، به عنوان مبلغ به جبهه می‌رفته و آن‌جا به خوبی ایفای نقش می‌کرده. این طور که خود شهید - نقل به مضمون - بیان می‌کند: "سه چیز مرا در زندگی تحت تأثیر قرار داد، یکی فوت پدرم که مرا متأثر کرد و در مسیری قرار داد که از سن کودکی پدرم را از دست دادم. یکی هم شهادت برادرم نادر خیلی مرا متأثر ساخت که قطعاً این شهادت انگیزه و هدف مرا در دفاع از اسلام و انقلاب بیشتر کرد و یکی هم رحلت حضرت امام -رحمت الله علیه- مرا بیش از هر چیزی متأثر کرد." این، خود نشان‌دهنده عشق شهید گنجی به امام و خدا و شهادت بود و می‌دانید که حضرت امام خمینی (ره) همه اهل ایمان را تحت تأثیر قرار دادند و رحلت‌شان هم جانگداز بود. این شهید عزیز هم این طور بیان می‌کند که این ضایعه برایم بسیار مصیبت‌زا و تأسف بار بود. به هر حال شهید گنجی همه فضیلت‌ها را در خودش جمع کرده بود و اگر در یک جمله بخواهیم بگوییم، انسان نوعاً این فضائل را می‌تواند در خود جمع کند.

شهید گنجی اهل علم و فضل، و اهل تحصیل بود و مراتب علمی را ظرف مدت کوتاهی طی کرد. در مدرسه عالی شهید مطهری در مسائل سیاسی، فقهی، کتاب‌های حوزوی پیشرو بود و در حد سطح دو به عنوان یک روحانی می‌توانست نقشی فعال در جامعه ایفا بکند. از لحاظ علمی در سطح خوبی بود، از لحاظ روحیه جهادی، اهل جبهه و جهاد و رزم بود و در جبهه‌های ایران اسلامی ایفای نقش می‌کرد. از بُعد سیاسی انسانی روشن‌بین و فهیم و آگاه به زمان بود. از لحاظ مدیریت نقش فعالی داشت و در همان مسؤولیتش در پاکستان توانست کارهای خوبی انجام دهد.

این ویژگی شهید گنجی را که جان عزیز خویش را بر



بین المللی و اولین شهید دیپلمات جمهوری اسلامی بوده که درخشش پیدا کرده و جا دارد بیش از این‌ها خصوصیات و شخصیتش معرفی شود و در سطح ملی به شکلی خوب از ایشان تمجید شود. خوشبختانه این اقدام نیز از ناحیه دولت محترم انجام گرفته و بنده شنیدم که در مراسمی تحت عنوان "روز بسیج کارمندان" از شهید صادق گنجی در هفته دولت تمجید شده و ان شاء الله این کار در سطح ملی ادامه پیدا کند و با کارهای خوبی که شما و دیگر دوستان انجام می‌دهید، این شهید درخشان عرصه فرهنگ، بیش از پیش به عنوان یک اسوه و الگوی فرهنگی دینی و تبلیغی برای نسل جدید ما معرفی شود. امسال در هفته دولت، پوستری دیدیم که در آن، تصویر شهید گنجی در کنار شهیدان رجایی و باهنر و چند نفر از وزاری شهید قرار داشت. در واقع شهید گنجی یک چنین جایگاهی در بین دولتمردان شهید ما دارد و به عنوان یکی از نمادهای برجسته منطقه جنوب نیز مطرح است. خوشبختانه ایشان به یک الگو و اسوه خیلی خوبی بدل شده که جای کار فرهنگی بیشتری را هم دارد.

شهید گنجی از ابتدای عمر کوتاه و در عین حال پربرکتش با آن‌که سنش کم بود، اما درخشش خوبی هم داشت. ایشان از ابتدا خیلی خوب درخشید که توانست به هر صورت هم در سطح ملی و هم در سطح جهانی تأثیرگذار در مجموعه نظام مقدس جمهوری اسلامی باشد.

حاج آقا، شما از چه زمانی با شهید گنجی ارتباط داشتید؟

زمانی که مسؤول سازمان تبلیغات اسلامی شهرستان دشتستان بودم با ایشان ارتباط داشتم.

کلاً کجاها با شهید مانوس بودید و با همدیگر معاشرت داشتید؟

از سال ۱۳۶۳ تا زمان شهادت ایشان با یکدیگر ارتباط داشتیم و در سازمان تبلیغات اسلامی همدیگر را می‌دیدیم.

شهید گنجی از نظر برخورد و روحیات چگونه آدمی بود؟

یک انسان صمیمی، خونگرم و دوست داشتنی بود و خیلی زود با افراد ارتباط برقرار می‌کرد. اخلاقش نیکو و اسلامی بود، همان طور که پیامبر فرمودند انسان‌های مؤمن همه این‌گونه‌اند، شهید گنجی نیز چهره‌ای بشاش و جذاب برای همگان داشت.

یعنی به لحاظ برخورد و ظاهر و رفتار و چهره، نمونه یک مسلمان دلنشین و جذب کننده بود.

ایشان همواره با اخلاق و با ادب و دارای رفتار و کلامی

باشند بسیاری از آن عزیزان حتی جان گرامی خود را نیز بر سر دفاع از ایران اسلامی گذاشتند. شهید گنجی نیز برای انقلاب و نظام و میهن سر از پا نمی‌شناخت، ایشان اگرچه آن آرزوی دیرینه‌اش در جبهه برآورده نشد، اما عاقبت در سنگر دیگری به این آرزو - شهادت - رسید. **از شهادتش بگویید.**

رخداد غم‌انگیزی را که در پاکستان اتفاق افتاد به خاطر دارم، همین طور تجلیل و تمجیدی را که اهالی خوب این شهرستان از گنجی عزیز داشتند و انجام دادند. هم تشییع جنازه با شکوه برگزار شد، هم مجموعه مراسم باشکوهی که هر سال شکوهش بیشتر می‌شود. مردم قدرشناس ما از شهید والامقامشان پیوسته به نیکی یاد می‌کنند، به ویژه در محفل‌ها و مجلس‌هایی که به نام این شهید بزرگوار برگزار می‌شود. از بدو شهادتش هم همه مردم را تحت تأثیر خودش قرار داده و افتخار می‌کنند که برای برگزاری مراسم شهادت این شهید، که یکی از مفاخر منطقه و استان ماست، هر ساله با تمام وجود عشق می‌ورزند.

یقین دارم که اگر ایشان بودند و به شهادت نمی‌رسیدند، الان یکی از کارگزاران فعال ما بودند و از عنصرهای مفید ما که در سطح ملی مسؤولیت و درخشش داشتند. برای شهید گنجی شهرستان و استان کم بود، با آن استعدادی که داشتند، بیش از این‌ها می‌توانستند رشد کنند و فرد مفیدی برای انقلاب و نظام باشند. هرچند که حالا هم از نظر اخلاقی و رفتاری و منش و تواضع‌شان الگویی کم نظیر برای جوانان ما و کسانی که عشق به انقلاب و نظام دارند، به شمار می‌آیند.

جدای از شهادی دفاع مقدس، مثل باکری و همت و جهان آرا و زین الدین و پروجردی که همه‌شان سنی بالا یا پایین سی سال داشتند و از خیل جوانان شهید دفاع مقدس محسوب می‌شوند، شهید گنجی، شهید جوان ترور بود و جزو شخصیت‌هایی بود که در سنین کم - مثل شهید دیالمه که در حزب جمهوری اسلامی شهید شد - به این افتخار نائل آمد. این موضوع که ایشان در اوج جوانی به شهادت رسید چه حسی به شما می‌دهد؟

شهادت چیزی است که خداوند نصیب هر کس نمی‌کند، شهادت شایستگی می‌خواهد و باب شهادت در عرصه جبهه داخلی یا خارجی یا عرصه فرهنگی است. خداوند این مدال بی‌ظنیر و بی‌دلیل را به پاس زحمات شهید گنجی به او عطا فرمود. کسانی که خوب بدرخشند، خالص و مخلص باشند و در مسیر خدا گام بردارند، گاهی خدا دوست دارد آن‌ها را پیش خودش ببرد و شهید گنجی این‌گونه بودند که در این عرصه، چون خوب درخشش و خدمت کردند، خداوند به ایشان مدال داد و او را به سوی خودش فرا خواند.

ان شاءالله که شخصیت این شهید، برجسته و مقامش عالی است. خداوند نام و یادش را همواره زنده نگه دارد. در واقع اگر ما تکریم و تمجید از شهدا می‌کنیم برای خودمان است که هم ثوابی نصیب ما شود و هم سایرین از پرتو نور شهید به عنوان یک الگو و اسوه استفاده کنند و چراغ راه‌شان باشند. آری، شهدا چراغ راهند و پیوسته نورافشانی می‌کنند و تأثیر گذارند و جامعه در پرتو نور آن‌ها حرکت می‌کند. ■

شهید گنجی به خاطر درخشش و استعداد و علم و فهم و درکش همه را شاد و به خود امیدوار می‌کرد و همه جا میل به پیشرفت و بالندگی را از خود نشان می‌داد، هم در دوره تحصیلی، هم در دوره احراز مسؤولیت کشوری که از سن بیست و دو سالگی چنین مسؤولیت‌هایی را به عهده گرفت

می‌رود و آن‌گونه حتی از بذل جان خود نیز دریغ نمی‌کند. به طلاب جوان می‌گویم شما نیز با این رشته‌ای که دارید می‌توانید مبلغ خوبی برای اسلام باشید. کسی چون شهید صادق گنجی که در پاکستان به زبان اردو آشنا باشد، نسبت به مسائل زمان آگاه و دشمن شناس باشد، قضایای اطراف خودش را خوب ببیند، قطعاً بهتر می‌تواند تأثیر گذار باشد تا این‌که فقط به مسائل فقه و اصول بپردازد. بحمدالله شهید گنجی می‌تواند یک الگوی مناسب و خوبی باشد برای روحانیت و طلاب جوان ما، که همچون خودش آدم‌هایی به روز باشند و عالم به زمان و آگاه به زمان، مسؤولیت پذیر، با انگیزه، فعال، مدافع مرزهای عقیدتی - هم در خارج و در داخل کشور - باشند.

شهید گنجی از طرف مدرسه عالی شهید مطهری به جبهه اعزام می‌شد. آیا از آن جبهه رفتن‌های ایشان خاطراتی دارید؟

بنده از این‌جا مستقیماً به جبهه می‌رفتم، چون آن‌جایی که معمولاً بنده را به جبهه اعزام می‌کردند، گروه مستقلی بودند و من با گروه رزم استان مرتبط نبودم و افتخار همراهی با شهید گنجی را نداشتم، اما مطلع بودم که آن‌ها همواره از تهران به منطقه می‌روند. آن عزیزان گروهی مخصوص بودند که معمولاً وقتی به جبهه می‌رفتند هر دو نقش روحانیت را توأمان ایفا می‌کردند، هم نقش تبلیغی و هم نقش جنگندگی و رزم را، یعنی ضمن این‌که یک رزمنده بودند، یک مبلغ هم بودند و به جز آن‌که کارهای تبلیغی مثل نماز جماعت و کلاس را در برنامه داشتند، در عملیات‌ها هم ایفای نقش می‌کردند.

بنده هرگاه که شهید گنجی از جبهه به شهرستان می‌آمدند، ایشان را می‌دیدم. کلاً وجود این شهید عزیز مملو از عشق به خدا، جهاد، شهادت، دوستی و اعتقادی والا به حضرت امام و دفاع از انقلاب و نظام بود و گو این‌که همه رزمندگان ما دوست داشتند پیوسته در میدان جهاد ایفای نقش بکنند، فعال باشند و پیوسته اهل جبهه و جهاد



مهربانانه بود و این‌ها جذابیت‌های کمی نیست. **از آن سال‌هایی که شهید گنجی در شهر با منافقین بحث و مناظره می‌کرد، چه خاطره‌ای دارید.**

در اوایل انقلاب یک دوره جریان‌ت نفاق در دانشگاه‌ها و مراکز علمی ما نفوذ کرده و تأثیر گذاشته بودند و خیلی از جوان‌های ما را در همین استان و شهرستان به دام انداخته بودند، اما افرادی هم بودند مثل شهید گنجی، که تحت تأثیر تبلیغات منفی آن‌ها، که بعضاً با قرآن و نهج البلاغه حرف می‌زدند و متظاهرانه و مزورانه به میدان می‌آمدند، قرار نگرفتند و استوار ماندند و سرسختانه با آن‌ها بحث و مناظره می‌کردند و حتی برخی از آنان را به راه می‌آوردند. در شهر ما برازجان، بودند افراد گمراهی که بعضاً به پای اعدام هم رسیدند، اما ایشان با روشن بینی کامل، در مسیر انقلاب و امام بودند و پیوسته از ارزش‌ها دفاع می‌کردند. یادم است که شهید با آن‌ها در خیابان‌ها بحث و مناظره می‌کردند، البته بدین‌گونه بود که بحث‌ها نزدیک و رودی دانشگاه‌ها یا مراکز علمی صورت می‌گرفت و گاه جمعی پدید می‌آمد در کتاب‌فروشی و این‌ها که شهید گنجی در آن‌جا حضور می‌یافتند و بحث می‌کردند و از جمله افراد مسلط و قوی همانا شهید گنجی بودند.

چگونه بود که شهید گنجی با آن سن کمش، که در آن زمان حد اکثر ۱۷ ساله بود، آن قدر قدرت بیان و قلم و ارتباط قدرتمندی داشت؟

الحمدلله این امر خدادادی و برخی از این ویژگی‌ها برآمده از استعداد ذاتی است. اصولاً بعضی از انسان‌ها زود رشد می‌کنند. شهید گنجی اهل مطالعه و با انگیزه بود. بر دوستانش تأثیر گذار بود. با افراد خوبی ارتباط داشت و در محیط خوبی تحصیل کرده بود. اگر کسی خوش فکر و فهم باشد و در یک مسیر صحیح قرار بگیرد، خوب رشد می‌کند. محیط تربیتی مدرسه‌ای که شهید گنجی در آن درس می‌خواند، به هر حال در مقطعی از لحاظ سازندگی روی شخصیتش تأثیر گذار بوده، همچنین شهادت برادرش و دوستانی که داشت و عمدتاً از بین طلبه‌ها، اهل فن و انقلابیون بودند شخصیت او را به تکامل نزدیک کرد. در دوره تحصیل در تهران نیز معلوم بود که با چه بزرگانی سر و کار دارد که مجموعاً این‌ها بر شکل‌گیری شخصیت ایشان تأثیر گذاشت.

گویا شهید گنجی فقط تأثیر نمی‌پذیرفته، تأثیرات مثبتی هم به خصوص بر دوستانش می‌گذاشته، چون شنیدم که بچه‌های زیادی را در دشتستان و برازجان و بوشهر تشویق کرده که عده‌ای از آن‌ها یا به فیض شهادت نائل شدند، یا الان از روحانیون خوب کشورند، یا از خدمتگزاران نظام مقدس اسلامی ما هستند.

بله، تعداد زیادی از دوستان هم‌دوره‌شان در این مسیرها قرار گرفتند، به ویژه در قم و تهران. **شما برازجانی هستید؟**

بنده اصالتاً دشتستانی هستم. برازجان خود بخشی از دشتستان است. **به عنوان یک آدم بومی که اهل این منطقه است تجربه شهید گنجی در قامت روحانیت و طلبگی را چگونه می‌بینید؟**

بنده بارها دوستان را به بازشناسی و به موازات آن شناساندن آن عزیز تشویق کرده‌ام و معتقدم که شهید گنجی همواره می‌تواند یک الگوی خوبی باشد، یعنی فردیت و شخصیت جامعی دارد و آدمی بوده که در دل این سلوک و مسؤولیت